

اعتدال و میانه روی در اسلام

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و الصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.
وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ آتِفُوا رَبُّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَجِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنَسَاءً وَأَتَقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾﴾ (النساء: ١)

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُونُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾﴾ (آل عمران: ١٠٢)
﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)
أما بعد:

الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴿١٤٣﴾﴾ (البقرة: ١٤٣)

«و همچنین شما را امتی وسط گردانیدیم» وسط در لغت: میانه یا مرکز دایره یک چیز است و سپس برای صفات پسندیده به عاریت گرفته شد زیرا هر صفت پسندیده‌ای در میانه افراط و تفریط قرار دارد. پس وسط یعنی برگزیده و بهتر و یا میانه رو. ابن کثیر رحمه الله در اینجا معنای «برگزیده و بهتر» را برای (وسط) یاد کرده و می فرماید: «از آنجا که الله متعال این امت را و امت برگزیده گردانید و آن را به کامل ترین شریعتها و استوارترین برنامه‌ها و روشن ترین روشها مخصوص ساخت. چنانکه می فرماید: ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ﴿٧٨﴾﴾ (الحج: ٧٨) (او شما را برگزید و در دین هیچ دشواری بر شما قرار نداد و این دین و آیین پدرتان ابراهیم است...) آری! شما در همه امور دین و دنیا و بهترین امتها و میانه‌روترین آنها بوده و از هر گونه افراط و تفریط به دور هستید و نه مانند یهود و مشرکان مادیگرا هستید و نه مانند برخی از مسیحیان و روحانی محض و بلکه شما حق جسم و روح - هر دو - را ادا کرده و با فطرت انسانی هم‌آوا می‌باشید «تا بر مردم گواه باشید» یعنی: شما را امت وسط گردانیدیم تا در روز قیامت برای انبیای الهی علیه امتهایشان گواهی بدهید که: ایشان قطعاً پیام الله ﷺ را که مأمور تبلیغ آن برای امتهایشان بوده‌اند و به آنها رسانده‌اند «و پیامبر بر شما گواه باشد» یعنی: پیامبر خاتم صلی الله و علیه وسلم برای شما گواهی دهد که پیام الهی را به شما ابلاغ کرده‌است.

در حدیث شریف آمده است که رسول الله صلی الله و علیه وسلم فرمودند:
"بِجَاءِ نُوْحٍ وَأُمَّتِهِ وَفَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: هَلْ بَلَغْتَ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ أَيُّ رَبِّ وَفَيَقُولُ لِأُمَّتِهِ: هَلْ بَلَغْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: لَا مَا جَاءَنَا مِنْ نَبِيٍّ وَفَيَقُولُ لِنُوْحٍ: مَنْ يَشْهَدُ لَكَ؟ فَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وَسَلِّمْ وَأُمَّتُهُ « صحیح بخاری

«نوح علیه السلام در روز قیامت فراخوانده می شود و پس به وی گفته می شود: آیا پیام الهی را ابلاغ کرده ای؟ می گوید: آری! آن گاه قومش فرا خوانده می شوند و به آنان گفته می شود: آیا نوح پیام حق را به شما رساند؟ می گویند: نزد ما هیچ پیامبری نیامده است! آن گاه به نوح گفته می شود: چه کسی برای تو گواهی می دهد؟ می گوید: محمد صلی الله و علیه وسلم و امتش».

همچنین در حدیث شریف آمده است که رسول الله صلی الله و علیه وسلم فرمودند: «أَنَا وَأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى كَوْمٍ مُشْرِفِينَ عَلَى الْخَلَائِقِ مَا مِنَ النَّاسِ أَحَدٌ إِلَّا وَدَّ أَنْهُ مِنَّا وَمَا مِنْ نَبِيٍّ كَذَبَهُ قَوْمُهُ إِلَّا وَنَحْنُ نَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ رِسَالَةَ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (مَرَدَوَيْهِ وَابْنِ أَبِي حَاتِمٍ)

(من و امتم روز قیامت بر تپه ای بلند و مشرف بر خلائق قرار داریم و هیچ یک از مردم نیست مگر این که آرزو می کند که کاش او هم از جمله ما بود و هیچ پیامبری نیست که قومش او را تکذیب کرده باشند و مگر این که ما گواهی می دهیم که او پیام پروردگار خویش را به آنان رسانده است».)
برادران و خواهران گرامی:

اعتدال و میانه روی در بینش و منش و روش و درمان تمامی دردها و حلال تمامی نابسامانی های ناشی از پراکندگی و عقب افتادگی علمی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی است.
برای رویارویی با روند رو به رشد رویکردهای ناروا و کج اندیشی های کسل کننده و برداشت های خانمان برانداز و بر ماست که و منهج میانه روی و مفاهیم و مبانی اعتدال را توضیح دهیم و برای تبلیغ و تقویتش از تمامی تریبونها و رسانه ها استفاده نماییم.

موضوع بسیار حساس و حیاتی است و فکر می کنم که یکی از مهمترین اولویتها و مسئولیتهای عالمان و اندیشمندان و مبلغان و تمامی کسانی که خود را حامل پیام پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم به شمار می آورند و این است که: برای غبارروبی از آینه اعتدال و چهره قرآن و سنت صریح پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و از تمامی توان خویش بهره بگیرند.
اساساً "اعتدال و وسطیت" چیست؟

ویژگیها و محورها و ضابطه هایی را که پایه و اساس وسطیت و اعتدالند چیست؟
ما برای اصل مهم و حساس و وسطیت و در اسلام بیست ویژگی را در نظر گرفته و خدمت شما عزیزان بیان می کنیم.

ویژگیهای مبانی کلی اعتدال و میانه روی:

۱_ شناخت همه جانبه اسلام با این اوصاف و ویژگیها که در برگیرنده ی:
"عقاید و جهان بینی و احکام و قانون گذاری و علم و عمل و عبادات و معاملات و ارزشهای اخلاقی و توانمندیهای بشری و فرهنگ و فرهیختگی و دعوت و دولت و دین و دنیا و تمدن و امت" می باشد.

۲_ ایمان به مرجعیت و محوریت قرآن کریم (وحی الهی) و سنت نبوی در جهت قانون گذاری.

۳_ توجه گری و ساماندهی زندگی و همراه با ضرورت شناخت (نصوص جزئی) قرآن و سنت در پرتو "اهداف و مقاصد کلی" اسلام و شریعت اسلامی. همچنین نادرست شمردن بی نیازی آن دو

از یکدیگر و یعنی عدم اکتفا به کلیات و کنار نهادن جزئیات و یا بسنده نمودن به فروع و کنار گذاشتن اصول.

۴_ ضرورت شناخت روح و ماهیت باورها و ارزشها و قبل از توجه به شکل و ظاهر آنها و اولویت دادن به "اعمال قلوب و درون" بر "اعمال اعضا و بیرون".

۵_ شناخت منزلت عقل و در فهم دین و زندگی و قبول نکردن تئوری تعارض و میان "نقل صحیح و عقل صریح" یا رودرویی میان وحی الهی و عقل انسانی. زیرا آنها و دو نور مکمل یکدیگرند و هر یک و از حرمت و حدود خاصی برخوردارند.

سازگاری و هم‌آوایی میان: "مادیت و معنویت و دنیا و آخرت و ربانیت و انسانیت و وحق آفریدگار و حق آفریده و و بین نوآوری علمی و مادی و ارزشهای بالای معنوی.

۶_ گفتگوی دلیرانه اهل ایمان با بهره گیری از بهترین راهکارها با مخالفان و دگراندیشان و اعم از مخالفان اعتقادی و مذهبی و یا مخالفان فکری و سیاسی. (به استثنای آنانی که از در ستم و تجاوزگری وارد می‌شوند)

۷_ تاکید بر روی نهادینه کردن اصول و ارزشهای انسانی اجتماعی و عملی نمودن آنها؛ مانند: عدالت و دادگری و احسان (نیکوکاری و خیرخواهی و عملکرد درست) و شوری و انتخاب و حفظ حقوق و کرامت انسان و....

۸_ ثبات و ماندگاری در عرصه "مبانی و مقاصد" و انعطاف و تغییرپذیری در میدان "ابزارها و راهکارها" و به عبارت دیگر و محافظت از "اصول و کلیات" و نرمش و انعطاف در عرصه "فروع و جزئیات".

۹_ آسانگیری در مسئله "فتوا" و بشارت و عطوفت در فضای "دعوت" و اگر تشدد و سختگیری ضرورت پیدا کند و به حفظ "اصول" بسنده گردد و به حدود "فروع" گام نهد.

۱۰- ایجاد سازگاری و هماهنگی میان "ثوابت شریعت و متغیرات و تحولات زمان" و در نظر گرفتن تحولات زندگی و جغرافیایی و اوضاع و احوال اجتماعی در دگرگونی "فتوا و تبلیغ و تعلیم و تربیت".

۱۱_ آشتی دادن میان ولاء یا دلبستگی و وابستگی به اهل ایمان و تسامح و آسانگیری با مخالفان و دگراندیشان.

۱۲_ ضرورت اهتمام به اصل «جهاد و مقاومت» و فراهم نمودن امکانات لازم در جهت رویارویی با زورگویان و متجاوزان و صلح و سازش با صلح طلبان و مسالمت جویان.

۱۳_ تلاش تدریجی خردمندانه در عرصه‌های؛ دعوت و تبلیغ و فتوا و تعلیم و اصلاح و زیرا کار تدریجی همانگونه که قانونی طبیعی است و حکمی شرعی نیز هست.

۱۴_ تعاون و همکاری میان گرایش‌ها و جماعت‌های مسلمان بر پایه امور مورد اتفاق و تسامح و گفتگو در ارتباط با امور اختلافی و تلاش و تعاون در راستای سازندگی و بالندگی و رویگردانی از پراکندگی و ویرانگری.

۱۵_ رفتار و تعامل اسلامی و دادگرانه با زنان و مراعات حقوق آنان طبق قرآن و سنت و آزاد

نمودن آنها از قید و بندهای جاهلیت و اموری که هیچگونه ارتباطی با تعالیم تعالی بخش اسلام ندارند و در بسیاری از موارد تماما با آنها در تضادند.

۱۶_ اعتراف و مراعات حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی بر اساس موازین اسلامی و تعامل با آنها بر اساس خیرخواهی و نیک‌رفتاری و برادری انسانی.

۱۷_ ضرورت تلاش در جهت بازسازی دین از درون و احیای فریضه اجتهاد و تجدید در حدود و چهارچوب آن یعنی در حوزه "ظنیات نه قطعیات" اعم از اینکه آن اجتهاد "اختیاری یا انشایی (کلی و یا جزئی) باشد". البته از جانب جهاتی که اهلیت و شرایطش را داشته باشند.

۱۸_ تلاش جدی در جهت تدوین: "فقه قرآنی و نبوی جدید و فقه سنت‌های حاکم بر نظام هستی و فقه مقاصد شریعت و فقه آینده‌نگری و برنامه‌ریزی و فقه موازنه‌ها و سنجش بین پدیده‌ها و فقه اولویت میان امور و فقه تمدن و پیشرفت و فقه اختلاف مشروع و تفرق مذموم و فقه واقعیت‌های موجود".

۱۹_ بهره‌گیری بهینه از برترین راهکارهای ارزشی موجود در؛ تجارب علمی و میراث تاریخی و فرهنگ و تمدن اسلامی و همانند: قانون و ضابطه محوری فقیهان و اصول‌گرایی اصولیان و خردگرایی حکیمان و روایت مستند محدثان و و ظرافت و زیبایی‌شناسی شاعران و ادیبان.

۲۰_ انسجام و هماهنگی میان الهام از گذشته و هماوایی و روی آوری به حال و آینده.

أقول قولي هذا و أستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

أما بعد:

عده ای از یاران رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم جمع شدند و از رفتار و اعمال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در خانه و دور از چشم مردم از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سؤال کردند و پس این اعمالی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در خانه و دور از چشم دیگران انجام می دادند در نظر آنها کم و ناچیز آمد و گفتند: همانا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و الله متعال گناهان قبل و بعدش را بخشوده است و ولی ما به اعمالی بیش از اینها احتیاج داریم تا اینکه الله عزوجل گناهان ما را مورد بخشش قرار دهد؛ پس یکی از آنها با خود عهد کرد که روزه بگیرد و هرگز افطار نکند؛ و دومی با خود عهد کرد که تمام شب را به نماز و عبادت بایستد و هرگز نخوابد و استراحت نکند؛ و سومی با خود عهد کرد که هرگز ازدواج نکند؛ سپس این خبر به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم رسید. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

«أَنْتُمْ الَّذِينَ قُلْتُمْ كَذَا وَكَذَا وَ أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَخْشَاكُمْ لِلَّهِ وَأَتْقَاكُمْ لَهُ وَ لَكِنِّي أَصُومُ وَأُفْطِرُ وَ وَأُصَلِّي وَأَرْقُدُ وَ وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ وَ فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (بخاری)

«آیا شما بودید که این حرفها را میزدید و اما من به الله سوگند روزه می گیرم و افطار می کنم و جزئی از شب را به عبادت می ایستم و جزئی دیگر را به استراحت می پردازم و ازدواج می کنم

و پس هر کس از سنت و روش من روی گردانید از من نیست».

والله متعال می فرماید: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَيْكُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾﴾ (النساء: ۱۳۵)

«ای مؤمنان! به داد برخیزید برای الله» یعنی: به برپاداشتن حق الله ﷻ متعهد باشید و بر آن بپاخیزید؛ به منظور کسب رضا و تعظیم امر وی و به انگیزه طمع در ثواب و بیم از عقاب وی و نه برای رضای مردم و کسب نام نیک در میان آنان. تعبیر (قوامین) به صیغه مبالغه و مفید آن است که مؤمنان مأمورند تا به بهترین شکل به برپاداشتن حق الهی بپاخیزند «گواهی دهندگان به قسط باشید» نه به ستم. قسط: عدل است «و دشمنی قومی و شما را بر ترک عدالت و اندارد» در حق آنان تا گواهی ای را که به نفع آنان است و پنهان کنید «عدالت کنید که آن» یعنی عدالت و به تقوا نزدیکتر است و همان تقوایی که نه یکبار بلکه همیشه به آن مأمور شده‌اید. یا عدالت کنید که عدالت به پرهیز نمودن از آتش دوزخ نزدیکتر است و و از الله پروا دارید و در او امر و نواهی وی و که الله به آنچه می کنید و آگاه است و این جمله نیز و هم وعده و هم وعید است. رعایت مساوات میان فرزندان و عدم تبعیض میان آنها نیز و از عدالت می باشد.

و می فرماید: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا ءَاتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ﴿٧٧﴾﴾ (القصص: ۷۷)

«و در آنچه الله به تو داده و سرای آخرت را بجوی و بهره ات را از دنیا فراموش نکن» یعنی: در بهره برداری از حلال و تکاپو در جهت کسب آن مانند خوردن و آشامیدن و پوشیدن و مسکن و ازدواج نیز تلاش متناسب آن را به خرج ده زیرا همان گونه که پروردگارت را بر تو حقی است و نفست را نیز بر تو حقی است پس حق هر صاحب حقی را به او بده. در ترتیب الامالی از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده که می فرماید: «اعْمَلْ لِلدُّنْيَا وَ كَانِكَ تَعِيشَ اَبَدًا وَ وَاَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ وَ كَانِكَ تَمُوتُ غَدًا» «برای دنیایت چنان کار کن که گویی به طور همیشه زنده هستی و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا می میری». «و نیکی کن» با بندگان الله «همچنان که الله به تو نیکی کرده است» با آنچه که از نعمتهای دنیا به تو ارزانی داشته است (و در زمین فساد مجوی) یعنی: در آن به معاصی الله عمل نکن (که الله فسادپیشگان) در روی زمین (را دوست نمی دارد) بلکه آنان را دشمن می دارد و این سنت و عادت وی است.

همه اینها بر آن دلالت دارد که جایز نیست که در دین دچار غلو و زیاده روی شویم و چه در دعوت کردن دیگران به سوی الله و چه در مورد اعمال و رفتارهایی که متعلق به خاص ما است؛ بلکه باید میانه رو و معتدل و مستقیم باشیم و همانگونه که الله ورسولش ما را به آن توصیه کرده اند.

الله عزوجل در سوره مبارکه انعام آیه ۱۵۳ فرموده است: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾﴾ (الأنعام: ۱۵۳)

«و بدانید این است راه (راست) من و پس از آن پیروی کنید و از راههای دیگر که شما را از راه او پراکنده می سازد پیروی مکنید اینهاست که الله شما را به آن سفارش کرده است باشد که به تقوا گرایید.»

و رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم به اصحابشان فرموده اند:
«لَا تُطْرُونِي كَمَا أَطْرَتِ النَّصَارَى عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ» (ابن حبان)

«در ستودن و تمجید از من زیاده روی و غلو نکنید همان گونه که نصاری در ستودن عیسی فرزند مریم غلو و زیاده روی کردند».

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (الأحزاب: ٥٦) و اللهم صل وسلم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و التابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارض عن الصحابة الأخيار و آل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لما تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و اللهم أت نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى و يعظكم لعلكم تذكرون.